

کتابخانه ایرانی هانوفر
Iranische Bibliothek in Hannover
۱۹۵۶



خبرنامه

سال دوم

جریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۵

شماره: ۴۲

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

بیش بسوی مبارزات توده‌ها!

بهاء ۲۰ ریال

تکثیر از
مدرسه: جریکهای فدائی خلق ایران

چرا ارگان نمی‌دهیم

از جنبش پیش رفتاری هوادار مکتد " ضرورت انتشار ارگان چریکهای فدائیان خلق را باید آوری شونده آنها بحق خواستار آن هستیم که ما زمان ما مواضع خود را از طریق ارگان در اختیار جنبش قرار بدهد. از نظر ما نیز ضرورت و اهمیت ارگان انکارناپذیر است و اعتقاد داریم که انتشار آن از طرف ما یعنی هم جنبش خلق ایفا خواهد نمود. بخصوص برای ماکه امکان ارتباط مستقیم با همدرفقهای هواداران اندر سبب ارگان در مسووم جهت کردن فعالیت همدرفقا نقش بسزایی دارد. گرچه اگر چنین ارتباطاتی نیز وجود داشت ارگان همچنان این نقش را دارا بود. ارگان بیش از هر رابطه مستقیم و بیش از هر اعلامیه و جزوه قاهر است به سه نحوه هر چه موثرتری ایده‌های چریکهای فدائیان خلق را به میان رفقای هوادار و توده‌ها برده و انرژی انقلابی آنها را در مسیری واحدگانه‌نالیزه نماید و بالطبع قادر است انرژی زیادی را که هم اکنون بدلیل فقدان ارگان صرف بعضی امور می‌شود آزاد نماید و در خدمت امتحالی هر چه بیشتر ما زمان قرار دهد.

هر چه دشمن در جریان حوادث و مسائل روزمره مورد افشاکری قرار بگیرد و هر چه وسیله اینکار مناسب تر باشد ایده‌های انقلابی با قدرت بیشتری امکان نفوذ در توده‌ها می‌یابد و برای آنان مادی می‌شود و ابورتو نیست. همانکه درست در جریان همین حوادث و مسائل اجتماعی عقاید انحرافی خود را بدرون توده‌ها می‌برند با بدبا وسیله‌ای مناسب و بهر صورت مستمر انشاء شوند. جنبش انقلابی خلق در هیچ شرایطی نمی‌تواند بدون آنکه در کنار مقابله با دشمن، با ابورتونیسیم به ستیز بر خیزد و در این شکوه خود را بگشا بدو به پیش برود. جنبش گسردن فعالیت‌های ضربه زننده ابورتونیسیت‌ها و افشای ماهیت آنان به بهترین وجهی از طریق انتشار ارگان امکان پذیر است.

در گذشته با رشد مبارزه طبقاتی در گروه‌های خاص که جنبش با گسردن آنها و پاسخ گویی صحیح به آن مسائل می‌توانست پیش برود، ابورتونیسیت‌ها همچون خاری در سزای آن ایستادند و دلیلی چرخش‌های تاریخی هر بار رفته آنان را روی آب انداخت و رسوایشان ساخت. در چنین مواقعی انتشار ایده‌های ما در جنبش و مقابله با عمل کرده‌های ابورتونیسیت‌ها در افشای هر چه بیشتر آنان مؤثر بوده است.

هنگامیکه رژیم مضعکه انتفا بیات برای مجلس خبرگان، انتفا بیات ریاست جمهوری، انتفا بیات مجلس شورای اسلامی، را بر راه انداخت، ابورتونیسیت‌ها با هر ساز رژیم رقصیدند و کوشش کردند توده‌ها را نیز به این مضعکه بکشانند. آنها تا مدت‌ها قبل از اینکه توده‌ها خود به ماهیت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی پی ببرند سعی در ایجاد توهم در توده‌ها می‌نمودند و ماهیت حکومت را خلقی و ضد امپریالیست جلوه می‌دادند و با این توهم در جریان اشغال سفارت آمریکا توسط حکومت و با جا رو جنرال تبلیبانی خود دنیا و حکومت در فریب توده‌ها بودند و پس از آنکه رشد مبارزه طبقاتی برده‌های توده‌ها را در برد، ابورتونیسیت‌ها به سنگش افتادند و گفتند ما هم می‌دانیم که رژیم ما ماهیت ضد خلقی دارد و در جریان سفارت فریبی پیش نبوده است (هر چند که اساسی تحمیل‌های آنان در این موارد تفسیر نکرده است) و بروی خود نمی‌آورند که دشمن خلق یعنی رژیم جمهوری اسلامی را در تحکیم پایه‌های حکومتش چه بیاری‌ها که نکردند و اکنون در کره‌ستان قبرمان در همین حال که جنبش سترگ خلق دلاور کرد آنها را بدنبال خود کشیده است ولی آنها از هیچ کوششی برای منصرف کردن این جنبش فروگذار نمی‌کنند. اعتقادات منحنی آنان مبنی بر غیر ضروری بودن جنگ قبل از تشکیل حزب کمونیست آقاییان، با آنچه واقعیت جنگ ما دلانده خلق کرد و در دمفا بر است و از این رو در راه بیشتر باقی نیست یا دست از تشریح‌های غیر علمی خود بردارد و در جهت رشد و اعتقادی هر چه بیشتر مبارزه مسلحانه توده‌ای فعالیت کنند و با پیش ایده‌های خود در جنبش، تا آنجا که می‌توانند مانع از پیشرفت انقلاب گردند و ابورتونیسیت‌ها که راه دوم را برگزیده‌اند تا تمام ظاهرا رسته‌شان جز در جهت خاموش ساختن مبارزات توده‌ها قدمی برونسی ندارند.

تاما می‌این مسائل و هر آنچه که در روند مبارزه طبقاتی پیش خواهد آمد، باید توسط ما به منت کشیده شود. با بدبکوشیم هر چه بیشتر از راه شیرایده‌های ابورتونیسیتی بروی جنبش خلق جلوگیری نمائیم و بنگریم و اهمیت خود جنبش خلق، آنان را از منحنه مبارزات پر شور و ضد امپریالیستی توده‌ها ایزوله نمائیم و کار افشاکری هر چه منظم تروپی گبرتر ادا می‌باید بشود تا تر خواهد بود و بدون شک کار بسیار تری و وسیله این امر نیز ارگان است. باری این نکته نیز لازم به تاءکید است که با تمام ضرورت و منفی که مبارزه ایدئولوژیک در جنبش ایفا می‌نماید دست آخر این عمل انقلابی است که توانایی ایزوله کردن ابورتونیسیت، افشای ماهیت دشمن و رشد جریان انقلابی را تضمین می‌نماید. بعنوان مثال " اکثریت " گذاشتی حتی اگر در همان ابتدای افشاکری‌های ما

در مورد خود پاسخ صریح میداد و اعتقادات " توده ای " خود را بوضوح بیان می کرد. تا به آن حدی اعتبار نمی نمود که در جریان رشد جنبش و با موضع گیریهای که در رابطه با جریان عملی جنبش اتفاق افتاد، رسوا گردید. اکثریتون هریک از نیروهای فرمت طلب قسمتی از نیروهای جنبش را بفرودم شمول کرده اند. " اکثریت " فدائی همنسوز خود را در میدان جایی زنده نمیداند. ما باید آلیسیم محض خواهد بود اگر تدمورکنیم راه ایزوله کردن نیروهای اپورتونیسیت و یا جریان خائن اکثریت، تنها با برخورد صحیح تئوریک و مواضع قوی در مبارزه ایدئولوژیک امکانپذیر است. و موجب گریختن هر چه بیشتر هواداران آن بسوی ما می شود. این درست است که در کشور بی با ساخت طبقاتی سیاسی بمبارا پیچیده مانند ایران خصوصا " در شرایط کنونی که بحران عمومی تقریبا " همه طبقات و قشرهای جامعه را به میدان سیاست کشیده و همه هم هستی خود را در گرو این کشمکش سیاسی می بینند، وقتی یک سازمان سیاسی بسته است راست می رود بسیاری از هواداران خود را در سمت چپ از دست می دهد و هواداران جدیدی وجهه سازمان را حفظ مادی قوی تر در سمت راست به روی می پیوندند. وانگهی چنین سازمانی خیل هوادارانی را نیز که بطلست میبایست طبقات ایشان از تصدیق مبارزه می هراسند در این انتقال بر است همراه خود در دو نقطه ما اوج گیری کا ملا " جدی مبارزه است که اینگونه جریان های سیاسی منزوی می شوند و همانگونه که امروز اکثریت در کردستان به آن دچار شده است.

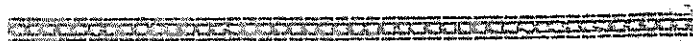
بنابراین از نظر ما با تاء کید بر نقش عمل انقلابی و در شرایط مشخص ایران با توجه به ضرورت گسترش مبارزه مسلحانه توده ای و اتخاذ موضع گیریهای عملی، انتشار ارگان ضرورتی انکارنا پذیر می باشد. به سبب خلافت تبلیغات اپورتونیسیتی که معتقدین به تئوری مبارزه مسلحانه را به عدم اعتقاد به مبارزه ایدئولوژیک و کار تبلیغات سیاسی متهم می کنند، با اعتقادمان تنها هیچگونه منافرتی بین انجام وظیفه انقلابی در حوزه عمل و در حوزه نظر وجود ندارد، بلکه این دو در ارتباطی دیا لکتیکی با هم بوده و در پیش برد امر انقلاب تاء شمس متقابل روی یکدیگر می گذارند.

با اینحال این پروسه به قوت خود باقی میباشد که اگر ضرورت انتشار ارگان جزء اعتقادات واضح نموده می شود چرا تا کنون در این راه اقدام نکرده ایم. باید بگوئیم حقیقتا " ما از مدتها پیش برای انجام این مهم شروع به کار کردیم ولی در شرایطی که پلیس یورش خود را به جایگاهها گسترش داده بود، حتی تهیه امکانات فنی آن کار آسانی نبود. و امکانات فنی خود ما برای انتشار ارگان کافی نبود. همه می دانند هنگامیکه مبارز بندی قاطع خود را با اپورتونیسیت های درون سازمان جریکهای فدائی خلق ترمیم نمودیم و اپورتونیسیت ها را از صفوف جریکهای فدائی خلق راندیم، تمام امکانات سازمان که به بهای زحمات فراوان رفقای ما و خون گرانقدر شهدایمان فراهم آمده بود در واقع متعلق به جنبش مسلحانه بود. توسط جریان منحط فاسد شده و کوچکترین امکانات سازمانی در اختیار ما قرار نگرفت و کار تدارک امکانات بدون اغراق مجدها " از صفر شروع شد. در تاریخ پرافتخار سازمان ما که گا دشمن امکان می یافت ضربات سخت به آن وارد آورد، هیچگاه - چنین حالتی پیش نیا مدود در واقع میتوان گفت که ضربات اپورتونیسیت ها از ضربات دشمن کارماز تر بود و ما می بایست با تلاشی خستگی ناپذیر و با ایمان به پیروزی راهمان فعالیت انقلابی خود را بدون هیچگونه امکان مادی در شرایطی که جنبش نیز با بعد وسیع توده ای یافته بود دنبال نمائیم، و در نتیجه ما تا مدتها حتی قادر به تهیه امکانات فنی لازم برای انجام ضروری ترین فعالیت های خود نبودیم. سه له انتشار ارگان نیز از این معضلات عبران نبود ولی ما در جریان تهیه امکانات لازم برای انتشار ارگان هنگامیکه به بررسی اوضاع تشکیلات خود پرداختیم، متوجه شدیم که با توجه به محدودیت نیروی خود و ضرورت انجام وظایف بیشماری که پیش برداریم انقلاب بدون ما قرار میدهد بآسانی و در مدت کوتاه امکان انتشار ارگان را نداریم ما در تقسیم وظایف مسئولیت ها به عمده و غیر عمده دریا فتمیم که نیروی ما تکافوی انجام وظایف عمده را بصورت کامل نمی دهد و از اینرو معموم شدیم انتشار ارگان را برای مدتی بتعمیق بیانداریم.

در این مدت ما کوشش خواهیم کرد بر فعالیت تبلیغاتی خود از طریق دیگر میافزاییم و هر چه بیشتر به تشریح و توضیح مسائل جنبش و سئوالاتی که در این زمینه برای هوادار مطرح است بپردازیم. و از رفقای هوادار نیز انتظار داریم که با درک معضلات فراروی رشد جنبش، مسئولیت خطیر خویش را در انجام وظایف انقلابی ایشان هر چه بیشتر دریا بند. رفقا با یدستی کنند در زمینه مسائل نظری به کوشش مستمر خود در ارتقاء دانشی انقلابیشان بیفزایند. آنها با ید در رابطه با هر مسأله اجتماعی با توجه به خطوط کلی ای که بآنها ارائه شده می شود به کتب و آثار ما رگسستی مراجعه کنند و هرگز منتظر آن نباشند که تشکیلات بنا سخگوری ریزترین سئوالات آنان باشد. همچنین آنها با ید بکوشند و هوشیاری انقلابی خویش را در همه حال حفظ کنند و به دام تبلیغات

منحرف کشیده نشوند. اپورتونیزم برای فرار از پاسخگویی به مسائل جنبش همواره یکی گوشه مسائل غیرعنده را مهم جلوه دهد و با برآه انداختن بحث های کدائی حول این گونه مسائل انرژی نیروهای انقلابی را معیوس نماید. مثلاً "در رابطه با فرگیری کارگران لیستان با دولت "حزب کمونیست" این کشور همه اپورتونیزم است عوامی رنگا رنگ اتفاقاً در کشورهای دیگر با دیدگاه های خاصی خویش با طول و تفصیل از آن سخن گفتند ولی اظهار نظر آنها متکی به کدام منابع موثق بود؟ کسی نیست که همه آنها با تکیه بر روزنامه های امپریالیستی اطلاعاتی که از آن طریق بدست می آوردند به اظهار نظر و اتخاذ موضع پرداختند ولی این امر دیگر روشن است که هیچیک از تشریحاتی رسمی که در سراسر جهان توسط حکومت های فیدخلقی منتشر می شوند در دسترس خوانندگان ایرانی است نمی توانند اخبار و گزارشات موثق را در اختیار خواننده قرار دهند. هر یک از آنها فراخور حال و منافع خاصی که دنبال می کنند اخبار و گزارشاتی را منعکس می سازند که بشواری می توان از خلال آنها به گوشه ای از واقعیت پی برد. در چنین اوضاعی یک جریان انقلابی که در قبال مردم خویش احساس مسئولیت می کند هرگز به خود حق نخواهد داد با استناد به اخباری غیر موثق درباره مشکلاتی موضع گیری نماید. ولست می اپورتونیزم های ما نه تنها چنین می کنند بلکه مسائلی اینچنینی را آنقدر بزرگ جلوه می دهند که گویی یکی از مسائل مهم جنبش خلق ما است و جنبش خلق بدون پاسخگویی بآن نمی تواند در این بگشاید. این کار بیست نیروی انقلابی نیست. کارگانی است که در زمان شاه نیز تحصیل های "مشغی" با استناد به روزنامه های امپریالیستی عرضه کردند و دیدیم کارشان به آنجا کشید که فی السهل در شرایطی که بهران اقتصادی و حتی سیاسی حاکمیت را بلرزده در آورده بودند آنها با استناد به آمار و ارقام دولتی، مناسبات اقتصادی را در حال رشد و حکومت را محکم و استوار می پنداشتند.

مثلاً "در مورد مسأله اخیر آنچه می توانیم به خلق خود بگوئیم اینست که ما هیت حرکت کارگران لیستان هر چه باشد، "حزب کمونیست" لیستان یک حزب کمونیست نیست، حزبی نیست که مدافع منافع کارگران لیستان باشد زیرا مگر غیر از اینست که وظیفه حزب دادن آگاهی به پرولتاریا و همسو کردن نیروی آنان در جهت منافع تاریخی پرولتاریا است. پس حرکت کارگران لیستان در چنین اوضاعی بر علیه "حزب" با هر مضمون و محتوایی بیابگر این نکته است که "حزبی" که حاکمیت سیاسی را هم در دست دارد و از تمامی ابزار و وسائل تبلیغاتی و ارتباطی، پرولتاریا برخوردار است منافع طبقه ای را که در نظر ندارد منافع پرولتاریاست. ولی در مورد این که آیا کارگران لیستان در مقابل با حزب و دولت این کشور ملحق به دست محافل وابسته به امپریالیسم بوده اند و یا با رهبری و موضع انقلابی دست به اینکار زده اند نمی توان گفت چرا که بدلیل فقدان منابع موثق آنچه ما میگوئیم در حد حدس و گمان خواهد بود. و نمی توان غیر مسئولانه در مورد آن سخن گفت پس رفتن به مسائل را مسائل خود بدانند که مسئله واقعی در جنبش خلق با شد در مورد مسائلی آنها را نظر کنند و حداقل آنگاه می راد بر آه آن برای آن حد از تحلیل لازم در اختیار داشته باشند و تحت تاء شیعوی که اپورتونیزم هسته هر زمینه مسائل نظری ایجاد می کنند قرار نگیرند. پیروز و موفق باشید.

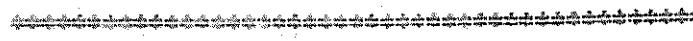


(بقیه صفحه ۱۰)

باید جریان قیام قهرمانان مردم تبریز در سال ۵۸ را برای زحمتکشان شهرتان توضیح داده و خیلتهای حزب جمهوری خلق مسلمان و رهبری وابسته به امپریالیسم و ارتجاعی آنرا افشاء نماید. باید بدانید که مسأله مخالفتها و دعواهای بین شریعتمداری و خصمی بر منافع خلقهای زحمتکش میهنمان نیست بلکه بر سر مهم بیشتر برای خود خواستن است. یعنی همان قضیه لحاف ملا است و نگاهی به گذشته و وضعیت حال آنان این مسئله را بوضوح نشان میدهد. آیا این شریعتمداری مرتجع نبود که هجوم ۲۸ مرداد به خلق رزمنده کرد، سرکوب میا - رزات کارگران کسریت سازی توکلی تبریز و غیره را تاء ببند کرد؟ آیا این او نبود که با سوار شدن بر موج حرکت مبارزاتی مردم تبریز آنرا به کجراه سازش و خیانت کشید و.....

او آخر آبان ماه در مسجد کوی کوفان علیه امپریالیسم که پول مربوط به هزینه بخت دو شب تمام در مسجد را بسته چسبده به هندی آینه که برای مسجد فرش بخرد بختی درگیر شد. پس از راه گیری هزینه مربوطه در حدود ۸۰۰۰ تومان به خرید فرش برای مسجد اختصاص یافت.

مهر ماه ۵۹ - حدود پنجاه هزار جوجه های متعلق به چندین مرغداری آذربایجان و حومه برای شرکتی روسی - اشری بودن واکسن نیوکاسل تزریقی از میان رفته اند. بوق و گریه ای تبلیغاتی جهان ساز زندگی و دیگر ارگانهای رژیم جمهوری اسلامی نمی تواند چاره ساز ضررهای وارده باشد.



دانشگاه

در یکی از مصاحبه‌های "صدای جمهوری اسلامی"، گزارشگر را می‌پویند که آیا آموزش‌های فدائی در دانشگاه‌ها برگزار می‌شود؟
 "حکومت عراق از تظاهرات دانشجویان و فعالیتهای سیاسی آنان وحشت دارد و برای مقابله با حرکتهاست انقلابی دانشجویان را تعطیل کرده است."

حال اگر بحای حکومت عراق، حکومت جمهوری اسلامی و بحای دبیرستانها، دانشگاهها را بگذاریم، باز هم این سخنان آگاهانه آن دانش آموز صحیح خواهد بود. آری اگر رژیم ضد خلقی عراق به بیجا نه جنگه مداری را تعطیل میکند، رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی خیلی بیشتر و سادست زدن به کشتار دانشجویان مبارزان همان اهداف دانشگاهها را تعطیل نمود.

ما فکر میکنیم اکنون دیگر اهداف حکومت از تعطیلی دانشگاهها کاملاً روشن و آشکار شده است. سردمداران حکومت کجوه در آغاز "انقلاب فرهنگی" کشتار دانشجویان و تعطیلی دانشگاهها را نه تنها با اهداف سیاسی با صبار زدن دانشجویی، بلکه صرفاً "انقلابی فرهنگی" قلمداد میکردند و اگر آنجمنهای اسلامی دانشجویان بد اتفاق پدرشان بحنی حزب جمهوری اسلامی و دارو دستدستی مدرسه میگفتند که مسئله "فرهنگی" است و نه "سیاسی"، اکنون دیگر آشکارا اهداف خود را بر زبان میآورند. حال دیگر آنها میگویند که "دانشگاهها از بامب خوشه‌ای خطرناکتر است". آری آنها در بافته اند که دانشگاهها از سم خوشه‌ای برای حکومتها ضد خلقی خطرناکتر است. سردمداران حکومت زمانی سخن از اهداف واقعی خود از به تعطیلی گذاشتن دانشگاهها گفتند که در بافتند هیچیک از توده‌ها تبلیغات آنها را در زمینه "انقلاب فرهنگی" با ورنه اردو مسرودم میدادند که آنها دروغ میگویند و این قبل از هر چیز ساختار تجربیاتی بودند که توده‌ها در دوران حکومت محمد رضا شاه در باره دانشگاه و جنبش دانشجویی داشتند.

حکومت جمهوری اسلامی اکنون در شرایطی قرار گرفته است که بیش از آنکه بدنیال بیاید کردن برنا مسه اقتصادی خاصی باشد، در پی عملی نمودن اهداف سیاسی خویش است. سردمداران حکومت بخوبی میدانند که وضعیتی اسفبار دارند و بنا بر این مقابله با جنبش توده‌ای بیش از هر چیز دیگری برای آنها مهم است. فی المثل آنها میدانند که تعطیلی دانشگاهها ضربات اقتصادی ای نیز بر پیشگرا این حکومت وارد خواهد آورد و لسی "مثلاً" برای آنها این مهم نیست، مهم آنست که دبیر وسیله ممکن، جنبش فدائی را به لبستی خلق و اسرکوب نموده، زیرا اکنون مسئله برای آنها مسئله مرگ و زندگی است.

اگر وضعیت جنبش در دوران حکومت شاه خائن این امکان را بدو میداد که علیه رژیم وجود حرکات وسیع دانشجویی دانشگاهها را با زنگه‌ها ریزد زیرا از نظر اقتصادی با بیداد دانشگاهها به فعالیت خود ادامه میدادند تا اکنون حکومت جمهوری اسلامی با آنچنان بحرانی روبرو است که ناگزیر باید از منافع اقتصادی آشی خود بگذرد تا اهداف سیاسی عملی گردد و منجمله از طریق تعطیلی دانشگاهها با جنبش دانشجویی مبارزه نماید.

با توجه به همین نکته است که در میبایم حکومت برای مقابله با جنبش دانشجویی و سائن نتیجه مخالفت با بازگشایی مجدد دانشگاهها از دست زدن به خشونتها رترین حرکات ابائی ندارد و حاضر است تا همچون زمانی که سنگرش دانشگاهها را از خون دانشجویان رنگین ساخت برای مقابله با بازگشایی مجدد دانشگاهها به هر حرکتی از ضرب و جرح گرفته تا کشتار دست زند. این مسئله‌ای بود که چهار سال زمان سیاسی ایگه قصد آن داشتند تا به منظور اعراض به تعطیلی دانشگاهها در روز ۲۲/دیماه، دست به تظاهرات بزنند و با بیدار در نظر بگیرند و مطابق آن برنا مای مناسب تهیه میدیدند.

حرکت به منظور اعراض به تعطیلی دانشگاهها حرکتی سیاسی صحیح است و به همین خاطر ما با حرکت چهار سال زمان سیاسی فی نفسه مخالفتی نداشتیم. هرچنان سیاسی ایگه با برنامهای مناسب بدین منظور دست به حرکت زدند، در این شرایط حرکتی صحیح انجام داده است، اما چهار سال زمان سیاسی مذکور با توجه به برنامه خویش محاسبه نکرده بودند که در صورت تهاجم گسترده حاکمیت به با بدبگنند و این درست همان نکته ایست که موجب گردید تا حرکت آنان نتایجی منفی بیار آورد.

حاکمیت که از برگزاری این تظاهرات هراسان شده بود، همه چیز را برای قتل و کشتار آماده نمود. ابتدا با تبلیغات خود در باره اینکه سازمانهای سیاسی ایگه تظاهرات را بر آنداخته اند، "سلح هستند"، گوشید تا اولاً این سازمانها را بوحشت بیاندازد و ثانیاً "زمینه کشتار را فراهم سازد تا اگر نیاز به آن شد تا بسیار دیگر چهره‌گریه خود را بر این بمرض نماید. گذارد و با زهم کشتاری دیگر بر آنداخته و با بیگوشی کند که این سازمانهای سیاسی بودند که کار را به اینجا کشاندند.

**حرکت به منظور اعتراض به تعطیلی دانشگاه
حرکتی بسیار صحیح است.**

سپس تبلیغات خود را بر علیه این تظاهرات هر چه بیشتر گسترش داد و طبق معمول با تبلیغ مبتذل این مسئله که تظاهرات بنسبت آمریکا و عراق صورت گرفته را اجنبی را که همیشه میگوید تکرار کردند تا همچون گذشته

نعل و آروشه زده ، خود را خدا مهربا لیست و خدا مگرائی و سازمانهای سیاسی را وابسته به آنان قلمداد نماید ، در عین حال حاکمیت متحدان خود یعنی دوجریان خیانتکار اکثریت و حزب توده را نیز در کنار خود داشت و آنها با در دست گرفتن پلاکاردها و پخش اعلامیه تظاهرات را " تخریم " کردند و سازمانهای سیاسی را متحدان " بورژوازی لیبرال " خواندند . این واکنش از سوی آنان بسیار " طبیعی " بود و ما به شگفت زنگی هیچکی نشد . اگر در گذشته همه میدانستند که " حزب آلوده ترده " چگونه " حزبی " است ، امروز هم میدانند که " اکثریت " از چه قماش است و چه میکند . حرکت " اکثریت " مشخص است . تمامی راهپیماییها و تظاهرات و نمازهای حکومت را " خدا مهربا لیستی " و همه راهپیماییها و تظاهرات سازمانهای سیاسی را در " خدمت امپریالیسم " میدانند ! تمامی حرکات حکومت را باعث " ارتقاء جنینش توده ای " و تمامی حرکات سازمانهای سیاسی را موجب " بد انحراف کشاندن جنینش توده ای " قلمداد میکنند . و این در واقع چیزی نیست جز تشویر بزه کردن آگاهان " نوکری قدرت " .

و علاوه بر این به حکومت تقریباً تمامی دستگاہهای سرکوب خود را برای قتل و کشتار سازمان داد . از پاسداران گرفته تا کمیته ها و دسته های حزب اللهی همگی تحت رهبری ای واحدیه " انجام وظیفه " برداشته و به بالای بام ساختمان بلندی در مقابل دانشگاه تیرباری نصب شد . شهر بانی برخی خیابانها را بست و علامه آنکه حکومت سازمان یافته به مقابله با این حرکت پرداخت .

همانطور که گفتیم واکنش حکومت و ابعاد آن کاملاً قابل پیش بینی بود ، و تمامی اینها را باید اقلیت رزمندگان ، پیکارور راه کارگردانان و رزایی های خود محاسبه میکردند که نگردند و دیدیم که راه کارگرایان از همه و طبق معمول خود را کنار کشید .

در شرایط کنونی آنچه که برای توده ها مطرح است راهگشائی عدلی در سازمانها میباشد . آنها از سازمانهای سیاسی انتظار دارند که در عمل و نه در تبلیغات سیاسی حرف ، راه چاره را به آنها نشان دهند . فی السبل هر مسئله دانشگاهها صحبت صرفاً " بر سر آن نیست که اهداف ضد خلقی حکومت از تعطیلی دانشگاهها به توده ها گفته شود ، بلکه مهمتر از آن تحقق چنان برنامه هایی است که توده ها بتوانند عملاً مانع از اجرای مقاصد رژیم شوند . بنا بر این هنگامیکه سازمان یا سازمانهایی دعوت به تظاهرات میکنند و سپس از اجرای عملی آن سرباز میزنند ، گرچه رژیم تبلیغات وسیعی را بر علیه این حرکت بر آید و با نتیجه دشمن خود تبلیغ سازمانهای سیاسی بشود ، نتایج منفی آن بیش از نتایج مثبت آنست و به همین دلیل ما فکر میکنیم که نتیجه حرکت چهار سازمان سیاسی آن بود که آنها با محاسبه نکردن وضعیت ، در یک حرکت بطور کلی درست نتایج بطور مشخص منفی برجای گذاشتند .

در شرایط کنونی جنبش دانشجویی میتواند دور با دور رسد و شمار رزبانهای دانشگاهها ، استقلال دانشگاهها ، عدم مداخله نیروهای سرکوبگرا از هر قماش که باشند و هر رنگ و لبا سی که داشته باشند به مبارزات خود در بعد " دموکراتیک " آن ادامه دهد و انتقاد آن اشکالی از حرکات اعتراضی دانشجویی که رژیم قادر به سرکوب آن نگردد ، یکی از وظایف سازمانهای سیاسی مبارز است . آن شکلی از حرکت اعتراضی دانشجویی که در این شرایط میتواند کار ساز بوده و رژیم ناتوان از سرکوب آن باشد ، شکل تظاهرات پراکنده و همزمان سازمانهای سیاسی است . مثلاً میتوان در یک روز در اینجا نقطه تهران تظاهراتی ۵۰ یا ۶۰ نفره انجام داد . این شکل از کار البته دشواریهایی دارد . اول آنکه هر سازمان میباید روابط سازمان یافته ای با هواداران خود داشته باشد ، ثانیاً " اجرای چنین حرکتی با توجه به ضعف سازمانهای سیاسی ، برای یک سازمان پستی مشکل است و با نتیجه میباید چند سازمان با توافق با یکدیگر آنرا بر مرحله اجرا در آورند و ثانیاً " پیوستگی توده ها به صفوف این تظاهرات بدلیل پراکنده گی ، عدم اعلام رسمی قبلی و سرعت تجمع و پراکنده گی آن ، مشکل است اما قطعاً " در ادامه خود میتواند نیروی توده ای را نیز به میدان بکشد و این تجربه است که در حزبستان جنبش اخیر و در حالت محدود آن در تمامی حرکات دانشجویی از سال ۵۰ سصدیکار گرفته شده است . بهر حال این شکل از تظاهرات را رژیم نمی تواند سرکوب موز شرمناک بدو به هر اندازه هم که ماشین سرکوب خود را سازمان دهده از فلج کردن عملی آن ناتوان است .

اما بعنوان کلام آخر فکر میکنیم که ذکر نکته ای ضروری باشد ، انجام یک تظاهرات از طرف یک سازمان (بقیه در صفحه ۱۶)

ارتش ضد خلقی تکاوران مبارز بوشهر را تحت فشار قرار داده است

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در پی سیاستهای سرکوبگرانه خویش، اخیراً "ازبین تکاوران بوشهر که دارای سابق مبارزاتی بوده و در جریان نیام بابهای توده های مردم سر علیه ارتش امپریالیستی مباحثات شده بودند و پس از آن نیز زیر بار فرمان فرماندهان مزدور رزمی رفتند، ۳۰۰ نفر را به بیجا نماندن "نداشتن استعداد تکاوری و شجرت رزمی" از این واحده قرارگاه نیروی دریایی بوشهر منتقل کرده است تا در موقعیت مناسب آنان را به نیروی زمینی منتقل کرده و برای سرکوب خلق رزمنده کرده به گردستان روانه سازد. در همین ۳۰۰ نفر افرادی که از جبهه فراخوانده شده اند و در جریان جنگ غیرما دلانه دولت ایران و عراق محروم گردیده اند، دیده میشوند. رژیم مذبحخانه میگویند به وسیله پرسنل انقلابی ارتش را و در روی خلق قرار دهند. خلق مبارز ایران باید بدانند که اگر رژیم جمهوری اسلامی در شرایط استیصال کامل توسط فرماندهان و افسران ارشد و مزدوران ارتش هر روز توسطه جدیدی علیه خلق مایه ریزی میکنند و حتی سردرودن ارتش بعنوان تکیه گاه عمده ضد خلق نیروهای از درجه داران و افسران جزء هستند که علیه مردم تسایل فرماندهان نشان به فلسطی و مبارزات آنها می اندیشند. این نیروها بخصوصی است از قیام ۲۲ - ۲۱ بهمن تا آنجا که توانسته اند دست بسه مبارزه زده اند. بیهوده نیست که رژیم عده ای از درجه داران و افسران مبارز و انقلابی را بعنوان پاکسازی از کار اخراج کرده و جهت جلوگیری از مبارزات این نیروها تفهیم نامه های را تنظیم نموده است و سعی دارد توسط این تفهیم نامه ها عناصر مبارز را تحت فشار قرار دهد.

مستحکم باد پیوند پرسنل انقلابی ارتش با جریکهای فدائی خلق ایران

ارتش جریکهای فدائی خلق ایران

در پی سیاست سرکوبگرانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در پی سیاستهای سرکوبگرانه خویش، اخیراً "ازبین تکاوران بوشهر که دارای سابق مبارزاتی بوده و در جریان نیام بابهای توده های مردم سر علیه ارتش امپریالیستی مباحثات شده بودند و پس از آن نیز زیر بار فرمان فرماندهان مزدور رزمی رفتند، ۳۰۰ نفر را به بیجا نماندن "نداشتن استعداد تکاوری و شجرت رزمی" از این واحده قرارگاه نیروی دریایی بوشهر منتقل کرده است تا در موقعیت مناسب آنان را به نیروی زمینی منتقل کرده و برای سرکوب خلق رزمنده کرده به گردستان روانه سازد. در همین ۳۰۰ نفر افرادی که از جبهه فراخوانده شده اند و در جریان جنگ غیرما دلانه دولت ایران و عراق محروم گردیده اند، دیده میشوند. رژیم مذبحخانه میگویند به وسیله پرسنل انقلابی ارتش را و در روی خلق قرار دهند. خلق مبارز ایران باید بدانند که اگر رژیم جمهوری اسلامی در شرایط استیصال کامل توسط فرماندهان و افسران ارشد و مزدوران ارتش هر روز توسطه جدیدی علیه خلق مایه ریزی میکنند و حتی سردرودن ارتش بعنوان تکیه گاه عمده ضد خلق نیروهای از درجه داران و افسران جزء هستند که علیه مردم تسایل فرماندهان نشان به فلسطی و مبارزات آنها می اندیشند. این نیروها بخصوصی است از قیام ۲۲ - ۲۱ بهمن تا آنجا که توانسته اند دست بسه مبارزه زده اند. بیهوده نیست که رژیم عده ای از درجه داران و افسران مبارز و انقلابی را بعنوان پاکسازی از کار اخراج کرده و جهت جلوگیری از مبارزات این نیروها تفهیم نامه های را تنظیم نموده است و سعی دارد توسط این تفهیم نامه ها عناصر مبارز را تحت فشار قرار دهد.

وظیفه کمونیستها نه دفاع از یکجانبی دو قطب ضد خلقی بلکه دفاع از منافع و حقوق طبقات ستمدیده و دفاع از جنبش انقلابی مردم و مصالح این جنبش است

شماره ۲۲ - سازمان سربازان جریکهای فدائی خلق ایران - زمستان ۱۳۷۵

درمهباد و حومه چه خبر است

چندوقتی است که حکومت فداخلقی کنترل شهرمها با درایضا هر در دست گرفته و کوشش مینماید تا فضای خفقان را بر شهر حاکم گرداند، اما آگاهی مردم مبارزمها با دمانع بزرگی بر سر راه آنان است. علیرغم فشار ارتش و پاسداران و علیرغم تبلیغات جریانات خائنی همچون "اکثریت"، "حزب توده" و "انشعاب بیرون از حزب ددکرات"، مردم رزمنده مها با دبا تمام وجود از پیشمرگان فداخلقی کرد حمایت کرده و از طرق ممکن به آنان یاری میروسانند.

حکومت هراز چندگاه منطقه ای از شهر را اشغال کرده و بدنبال انقلابیون میگردد و به ادبیت و آزار مردم میپردازد. در روز ۲۸/۹/۵۹، پاسداران به همراه جاشهای خود فروخته منطقه "کوبین باد" را که یکی از مناطق فقیرنشین شهرمها با د است، اشغال نموده و با شناسائی یکی از افراد مبارز بسوی او تیراندازی کردند و سپس بخانه گردی پرداخته و مردم زحمتکش کوبین آبا در مورد ادبیت و آزار قرار دادند و با لایحه های آنکه حاصلی از اینهمه رذالت ببرند، دست از پا دراز تر منظره را ترک کردند.

سپاه پاسداران در مناطقی از شهر که گمان میرود پیشمرگان شبانه در آنجا رفت و آمد میکنند، کمین میگذازد و دود و دگرگس را که به دلیل از خانه خارج شود، دستگیر میکنند. فی الحثل در شب ۲۹/۹/۵۹، آنها در منطقه "سه علشان" (سه آسیاب) که یکی دیگر از مناطق مسکونی زحمتکشان مها با د است کمین گذاشته و ۱۱ نفر از مردم بیگناه را که در حال رفت و آمد بودند دستگیر کردند.

رژیم کوشش میکند تا ادارات مها با در از عناصر انقلابی و مبارز با مطلق "پاکسازی" نماید. به همین دلیل تاکنون از ادارات مختلف مخصوصاً "اداره آموزشی و پرورش غده ای را اخراج کرده است. همچنین ۳۰ تن از کارکنان رادیو و تلویزیون مها با د نیز به همین بهانه اخراج گردیده اند.

سپاه پاسداران، یک پاسدار را بعنوان فرماندار شهرمها با د بر سر کار گذاشته است. در تاریخ ۵۹/۱۰/۱ رادیو و تلویزیون مها با د مواجبه ای با این فرماندار گذاشتی انجام داده است که مواجبه کننده نیز یک پاسدار بود، زیرا بدلیل اخراج ۳۰ تن از کارکنان رادیو و تلویزیون این اداره گزارشگر کم آورده است. مادر اینها به تنگاتی از این مواجبه اشاره میکنیم.

جناب فرماندار در زمینه مسئله کردستان چنین گفت: "ما سعی کردیم که مسئله کردستان را بطریقی سیاسی حل نمائیم ولی سازمانهای غیرقانونی مانع اینکار شدند." (این درس را از "اکثریت" آموخته است) سپس اضافه کرد که "در مسئله کردستان کلاه سر ما رفت، زیرا ما حسن نیت نشان میدادیم (عجبا!) و این نیروهای ضد انقلاب بودند که جریانات نقده، سنندج و... و پاهو را بوجود آوردند. ما دیگر حسن نیت نشان نخواهیم داد (گویا که تاکنون حسن نیت نشان داده اند!!) مردم مبارز ایران بدانند که از نظر سپاه پاسداران بمباران شهرها و روستاها، تیرباران مردم، محاصره اقتصادی و ایجاد قحطی بمعنی "حسن نیت" است) و از این پس از سه کانال که کانالهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است با مردم روبرو خواهیم شد، ولی در مورد ضد انقلابیون از راه نظامی وارد میشویم" (خوب بود که جناب فرماندار توضیح میداد که ضد انقلابی به چه کسی میگویند تا ببینیم کسی جز جاشها، توده ایها، اکثریتی ها باقی میمانند که کانال چهارم شامل حسال آنان نشود؟)

جناب فرماندار سپس درباره با زکردن مدارس و ادارات شهرمها با د گفت: "تا برای ما امنیت نباشد این کار را انجام نخواهیم داد" جناب فرماندار با آنهمه آهن و تلباحصاس نا امنی میکند) و اگر امنیت باشد به غیر از اینکارها به جهاد سازندگی نیز میپردازیم" (مردم کردستان خیلی خوب میدانند که جهاد سازندگی در کردستان چه وظایفی را بر عهده دارد. جهاد سازندگی سنگرمی سازد، جاسوسی میکند و با خلق کرد میجنگد).

اوسیس درباره محاصره اقتصادی کردستان گفت که: "ما میخواهیم اقتصاد کردستان را روبرو کنیم. ما با وجود آنکه نفت در ایران کم است برای مها با د نفت فرستادیم ولی گروههای مهاجم نفت ما را زدیدند و نگذاشتند که نفت به شهر برسد" (منظور او مواجبه دود تا نکرنت توسط پیشمرگان چریکهای فدائی خلق ایران است که برای ارتش و سپاه پاسداران مستقر در مها با د نفت میبردند و این دود تا نکر در راه میان دو آب - مها با د

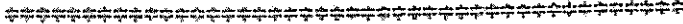
توسط رفقای ما مصادره شده و نفت آن در بین روستائیان توزیع گردید. معلوم میشود که اگر اقتصاد کردستان رو برآه نشده است به این دلیل بوده که ارتش و پاسداران نتوانستند خود را با نفت آن دوتا نگریم کنند! آیا محاصره اقتصادی دیگر روستاها و شهرهای کردستان همچون بوکان که مردم حتی چیزی برای خوردن ندارند بدلیل آنست که دوتا نگر نفت ارتش و سپاه پاسداران در آه میا با مصادره شده است؟



در تاریخ ۵۹/۱۰/۱، حکومت ضد خلقی از طریق راندیو اعلام کرد که روستائیان " ایندرفاش " باید تا ساعت ۱۰ صبح روستا را تخلیه کنند، زیرا بدلیل نفوذ " غذا انقلابیون " در این روستا ارتش و پاسداران میخواهند آن وارد شوند. مردم مبارز و زحمتکش ایندرفاش که یکبار شاه قتل عام زن، فرزندان و خواهران و برادران خود میبوده اند، اعلام کردند که حاضر به ترک روستا نیستند و در مقابل ارتش و پاسداران مزدور مقاومت خواهند کرد. اهالی دیگر مناطق و همچنین پیشمرگان دلیر جریکهای فدائی خلق ایران، حزب دمکرات کومله و بیکا ربم منظور حمایت از روستائیان بدروستای ایندرفاش وارد شدند. رژیم پس از ساعت اعلام شده بوسیله هلی کوپتر و سلاحهای سنگین همچون خمپاره و توپ و سلاحهای سبک این روستا را مورد حمله وحشیانه قرار داد اما پس از آنکه با مقاومت دلیرانه روستائیان ایندرفاش و روستائیان دیگر مناطق و همچنین پیشمرگان دلیر خلق کرد مواجه شد، بناچار عقب نشست. طبق اطلاع رسیده در این درگیری پیشمرگ زخمی و یک جوان شهید شد. از ضرباتی که بدشمن وارد آمد، اطلاعی در دست نیست.



در تاریخ ۵۹/۱۰/۵، در ساعت ۷ صبح تعداد زیادی ارتشی، پاسدار و جاش به منظور اذیت و آزار روستائیان، بدروستای " دوسیدآباد " که در نزدیکی نها با دستور دارد، وارد شدند. روز قبل پیشمرگان بمنظور انجام مأموریت ده را ترک گفته بودند و دشمن نیز کوشید تا از این فرصت استفاده کند. روستائیان که از آمدن پاسداران، ارتشها و جاشهای مزدور مطلع شده بودند، قبل از رسیدن آنها در ترک کردند. در ده تنها چند جوان با سلاحهای سبک باقی ماندند تا بنه وسایل پیشمرگان را از ده خارج کنند. ارتش و پاسداران و جاشها ده را به خمپاره و رگبار سلاحهای آمریکائی خود بستند، اما هنگامیکه سه ده وارد شدند آرا خالی از سکنه یافتند. آنها شروع به خانه گردی کردند و هر کجا که به شناسنامه و یا عکس جوانان برخورد میکردند آنرا به همراه خود میبردند. آنها در ساعت ۳/۵ بعد از ظهر شروع به عقب نشینی کردند. در این مدت روستائیان پیشمرگان را از حمله ارتش و پاسداران مطلع کرده بودند ولی هنگامیکه پیشمرگان خلق دلیر کرد به روستا رسیدند، پاسداران و ارتش ده را ترک گفته بودند. مردم روستای " دوسیدآباد " در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر در حالی که بار دیگر تها و زحمت ضد خلقی را سخانه و کاشانه خود مشاهده کرده بودند، با روحیه ای عالی و عزمی استوار در مبارزه سر علیه حکومت جمهوری اسلامی بروستا باز گشتند.



خلقهای رزمنده ایران!

ما جنگ رژیم ایران و عراق را جنگی غیرمادانانه

می دانیم، و شرکت در آن را نمی کرده خواهیم قطع آن

میباشیم.

ما می دانیم که بایسته این جنگ غیرمادانانه را باید جنگ مادانانه

یعنی جنگ خلق با امپریالیسم و محال آن تبدیل کنیم

*** پیش بسوی ایجاد هسته های مقاومت ***

زنده بسواد خلق رزمنده گسرد

گزارشی از روستای بسرو

روستای بسرو نزدیک مرز ایران و ترکیه قرار دارد. راهی از وسط این روستا گذشته و به ترکیه وصل میشود که از لحاظ اقتصادی اهمیت زیادی دارد. روزانه صدها کامیون کالا از این راه خارج و وارد میشود. این روستا جمعا در حدود ۹۰ خانوار جمعیت دارد. همچنین یک گروهان ژاندارمری و یک پست سبب بسزین و چندین خانه سازمانی در این روستا وجود دارد.

دو برابر بنام های جهانگیر و عصمت خان در این روستا هستند. مدت ۶ سال است که اینها روستائیان زحمتکش را غارت و استثمار می کنند. این مزدوران در زمان شاه خائن از اعضای فعال مساواک بودند و با سازمان امنیت ترکیه "میت" نیز ارتباط داشتند. اینها آنچنان روستائیان زحمتکش را مورد آزار و بهره کشی قرار دادند که عده ای از روستائیان به دولت ضد خلقی ترکیه پناهنده شدند و عده ای دیگر به روستاهای بالو (اطراف ارومیه) مهاجرت کردند. تا زمان قیام فقط ۱۰ خانوار در این روستا زندگی میکردند که از جماعت بدستان جهانگیران بودند. جهانگیر و عصمت خان دری علاوه بر روستای بسرو در دیگر روستاهای اطراف نیز دست به غارت و چپاول می زدند. بعد از قیام روستائیان زحمتکش روستاهای اطراف بسرو از ظلم و جور اربابان دیگر به سر پناهنده شدند. آنان از دست ظالمی به ظالم دیگر پناه آوردند. روستائیان ستمدینان خیال کردند که جهانگیران دری مثلا "از حاجی سامی هناره" بهتر "است ولی این فقط یک خیال بود. بسرو دوباره پراز خانواددهقانان شد. جهانگیر و عصمت خان دری و پسرانشان ساواکیها و فرماندهان مزدور ارتش و استانداری جلاد و هر ام خائن را از مرز خارج کردند. مزدوران بعد از این جنایتها شکل کار خود را عوض کرده و "اسلامی" شدند و در پناه ملا حسنی این جلاد مردم قارنا، قتلان، هندرقاش و ساوکانی و غیره به ادا مه سرکوب و غارت مردم زحمتکش مشغول شدند. و از دولت وابسته جمهوری اسلامی سلاح و مهمات برای استخدام جاش جهت سرکوب خلق رزمندگانه تحویل گرفتند. این مزدوران سلاحهای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را با هزاران یونگ و فریب و تهدید و ارباب به تعدادی از روستائیان بسرو و دیگر روستاهای اطراف که در اختیار برادران و خویشا نشان است دادند. روستائیان زحمتکش و با شرفی را که حاضر به پذیرش سلاح و جاشگیری نشدند از روستاهای اطراف اخراج و به پشت کشتارگاه در ارومیه مهاجرت دادند. این روستائیان مبارزمی گفتند: "اگر بدست جهانگیر و عصمت خان دری، ملا حسنی و رژیم جمهوری اسلامی کشته شویم بجنگ برادران خود نمی رویم."

جهانگیر خان دری و دارودستهایش تنها به رژیم جمهوری اسلامی خدمت نمی کنند و از آنجا شیکه بدآورم این رژیم زیاد میدارند و نیستند و از آنجا شیکه منافع این مزدوران فقط با خیانت به خلق ناه میسر میشود، اخیرا چنین شایعه پراکنی می کنند که: "بختیار خود مختاری کردها را امضاء کرد. و هر وقت به ایران بیاید آنسراد و دستی به کردها خواهد داد". این مزدوران در چندین روستا برای بختیار خائن و خود فروش و دارودستهایش تبلیقات می کنند و حتی شایعه کردها ندکه هر کس اسلحه بختیار را قبول کند ما هی ۵۰۰ تومان با و داده میشود. این است گوشه ای از جنایات و ماهیت فئودالیهای مرتجع نظیر جهانگیر و عصمت خان دری و پسرانش.

آنچه که اکنون در رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در روستای بسرو می گذرد و صافی است که حتی در قرون وسطی نمونه های آن کمتریافت میشود. مثلا "نمونه های چندی را می توان بیان کرد، از هر خانواده روزی یک نفر به بیگاری برای جهانگیر و عصمت خان دری بیاید بروند. شبها از هر خانواده یک نفر بیاید برای این مزدوران و پسرانش به پاسداری منازل آنها مشغول شود. عده ای را به پاسداری از گروهان ژاندارمری و گمرک واداشته اند هر کس که حاضر به بیگاری، نگهبانی و سایر کارها نشود بوسیله جهانگیر خان و پسرانش به فلک کشیده میشود و بیاید جریمه وزندانی گردد.

سؤال و جوابی را که میخواهید وضعیت آن عده زدهقانان بسرو را که با زور و ارباب اسلحه دریافت کرده اند و بعنوان "جاش" جمهوری اسلامی استخدام شده اند نشان میدهد.

س - شما برای چه هدفی اسلحه گرفته ای؟

ج - ما برای هیچ هدفی اسلحه نگرفته ایم فقط با تهدیدهای جهانگیر خان که می گفت شما را از بسرو اخراج می کنم اسلحه گرفتیم.

س - چرا ما نند آن عده ای که به روستای بالو و پشت کشتارگاه مهاجرت کردند نرفتید؟

ج - ما یعنی آن عده ای که حالا در سرور زندگی می کنیم به غیر از جماعت بدستان جهانگیر خان، از لحاظ مالی در مضیقه بودیم و هستیم. من خودم زمانی که از روستای اسکندرآباد به اینجا مهاجرت کردم شروتم بطور کلی ۱۰۰۰ تومان بود. پس چطور می توانستم با این وضع فلاکت بیا به شهر مهاجرت کنم.

رفقای که خبر تهیه میکنید:

تهیه اخباری که گوشه‌ای از زندگی و مبارزات خلق ما را نشان میدهد، یک وظیفه مبارزاتی است. پس آنکه برای یاد پیام زمانه این وظیفه خود را از زمان میدهند، بدنگات زیر توجه کنید:

۱- خبر را با دقت و تکر جزئیات و تاریخ و ساعت تهیه کنید.

۲- همه وقت بودن آن مطمئن باشید.

۳- همه هیت واقعه‌ای که رخ داده است، توجه کنید. برخی حرکات بوسیله بخشی از طبقه ماکتد بر علیه بخشی دیگر از خودشان صورت میگیرد و ظاهراً مردمی دارد.

۴- خبر مربوط به یک رویداد یا را بگردانید پس از مطلع شدن از آن تنظیم نمائید و در اسرع وقت بدمت ما بفرستید.

۵- گذشته از خبرا گریه عکسها و یا طرحهای خوبی برخوردار گردید آنها را برای ما ارسال نمائید.

۶- اخبار و گزارشات را ختی السقدور با خط خوانا بنویسید.

۷- نظرات خود را برای بهبود خبرنامه برای ما بنویسید. سعی کنید از امکات خبرنامه در بین مردم (با ختی از آنها) آگاه شده، نتیجه را برای ما بنویسید.

هدف از پراکندن اخبار نمایش همیشه پرستی مسئله شکنجه، فریب توده‌ها است. زیرا:

شکنجه گران جنگی ایادی حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی هستند.

مهرگان پر شکوه گران با

جریکهای فدائی خلقی ایران ۵۹/۱۰/۴۲

تراکت : ۵۸

● آذر شهر ●

در فاصله ۲۳ تا ۵/۹/۵۹ گزارشات که رسیده حاکی از آنستکه در مساجد مختلف کوی و برزن آذر شهر مردم ستم دیده مخالفت خود را با رژیم جمهوری اسلامی در پوشش حمایت از شریعتمداری نشان میدهند. مشاخره و کشمکش بر سر تعویض عکسها و پاشین کشیدن عکس یکی و نصب عکس دیگری بجای آن در مساجد کوی کردان علیار کوی دیزج سفلی و یا مخالفت و ممانعت از سخنرانی افراد منتصب به سپاه پاسداران و نهضت سوادآموزی و یا آخوندهائی که علناً از رژیم طرفداری می کنند در مساجد کوی کردان سفلی، کوی پرا پروکوی کشک بطور مشخص بیانگر اینستکه مردم زحمتکش آذر شهر از هر آنچه و هر آنکس که مربوط به رژیم و وابسته به آن باشد متنفر دارند. چون جز فقر و بیکاری، گرانی، سرکوب و کشتار و اخیراً مصیبتهای جنگ ارتجاعی دولت ایران و عراق از جانب رژیم ضد خلقی کنونی چیزی ندیده اند.

رفقای هوادار!

سواضع جریکهای فدائی خلق ایران در این باره بارها و بارها در اعلامیه‌ها و بخصوص در جزوه (سازش طبقا - تی زیر پوشش مبارزه ضد امپریالیستی) و کتاب (پروژوازی لیبرال؟) بیان شده است.

رفقا با بدقتیقا حرکات، مبارزات و خواسته‌های خلق قهرمان ترک و بخصوص زحمتکشان آذر شهر را از سیاستهای ضد مردمی و کوششهای ارتجاعی شریعتمداری منوم الحال جدا کنند و این تفاوت را برای توده‌ها توضیح دهند. باید بدانند که مبارزات توده‌ها و نفی حاکمیت امپریالیستی موجود از جانب آنان دقتیقا" بغاظر قطع کامل از سلطه امپریالیسم و مزدورانش و نفی هرگونه وابستگی است و نه برای اینکه عده‌ای را طرد نمایند و بدور مزدوران و وابستگان دیگر جمع شوند.

(بقیه در صفحه ۳)

نقوه هرگونه باج دولتی خواسته روستا دین زحمتکش میهن ملیست

را درج کنیم فقط قسمتی از آن را چاپ کردیم، امید
- داریم که من بعد نیز شاهد آثار زیبای رفقای خود
باشیم.
با درودهای انقلابی - خبرنامه

یکی از روستایان زحمتکش هوادار " جریکهای
فدائی خلق ایران " در موعده سراسری سروده برای
ما فرستاده است، با وجود آنکه این شعر بسیار زیباست
ولی متأسفانه بی نظیر است و نتوانستیم تمامی آن

بنویس در ارتش خلق
توبه ساری
بهاران زتوست
اینک من آمده ام
اسلحه مرا بده
اسم مرا بنویس
دهقان عضو ارتش خلق
.....
.....
.....
.....

تو گل سرخ مایی
تویا رویا ورمایی
تو درخشنده تر از خورشیدی
ای چریک ،
ای یار همیشگی زحمتکشان
اینک منم
با دستهای پینه بسته
با صورتی چروکیده
اینک منم دهقان
منم رنج دیده
اسم مرا بنویس

نور

عصر روز پنجشنبه ۵۹/۹/۱۳ " ابراهیمی " عضو
شورای فرمایشی شهر همراه با ایدی و جماعت داران حزب
جمهوری اسلامی به کتاب فروشی هواداران یکی از
نیروهای سیاسی حمله ور شدند. هواداران نیروی سیا
سی به مقابله با این مزدوران برخاسته و از خود دفاع
کردند. در نتیجه این زد و خورد " ابراهیمی " مزدور
شکست ویکی از هواداران آن نیروی سیاسی بیپوش
شد که به بیمارستان انتقال یافت .

وشت

راهبیمائی اعلام شده از طرف حزب رستاخیز
" اسلامی " که تحت نام حمایت از روحانیت سناورز
(یعنی بنیستی نوکرا میریالیسم و شرکاء) در تاریخ
۵۹/۹/۱۳ صورت پذیرفت یکی از دیگر کوس رسوا شسی
رژیم جمهوری اسلامی را ساخت. علی رغم تبلیغات
کرکننده و دروغهای شاخدار حزب " فراگیر " و با توجه
به اینکه مدارس و بازاری را نیز به اجبار روز و تعطیل
کرده بودند حدود ۱۵۰ نفر از دانش آموزان پسرکم سن
و سال مدارس شرکت داشتند و همچنین حدود ۲۰۰ نفر از
دختران مدارس و عده کمی آخوند و بازاری صف تظاهر
کنندگان را تشکیل میدادند. مردم زحمتکش نظاره گر
این شمیله بازی با یوزخند و تنفر با این مسئله نرس
خورد کردند .

هواداران جریکهای فدائی خلق ایران - تبریز بمناسبت حرکت انقلابی مردم تبریز دردی ماه
سال ۵۸ بر علیه رژیم جمهوری اسلامی اعلامیه ای تحت عنوان : " قیام پرشکوه دی ماه تبریز تجلی
قهر طبقاتی خلق آذربایجان " در تاریخ ۵۹/۹/۲۵، انتشار داده اند. در قسمتی از این اعلامیه میخوانیم:

"..... تاکنون کردستان قهرمان با بیگر خونین و قاطعی ایستاده مقاومت کرده است جریان
منحط کار (اکثریت) ما سنجاش ها از سوی پیشمرگان قهرمان کردستان تحت پیگرد
قرار دارنند و از کردستان این قلب خونین ایران اخراج شده اند. ارتش امپریالیستی
جرات حرکت را در اکثر نقاط کردستان ندارد و حاکمیت سیاسی جمهوری اسلامی در سطح
و عمق وسیعی در کردستان به زیر کشیده شده است. اینها همه مسئولیت مهمی به عهده ما
می گذارد و هر قطره خونی که از خلق می ریزد، کینه به ضد خلق و انتقام را طلب می کند.
با ید مبارزه مسلحانه را در دیگر خلقها گسترش داد زیرا کردستان خونین بدون کمک سایر
خلقها از سرنگون کردن حاکمیت به پیروزی نهای بی نخواهد رسید. با ید مردم مسلح شدن
و نقش بر آب کردن توطئه خلق مسلح رژیم و تشکیل هسته های مسلح خلق بود.".....

● پرونده سورا ●

در تاریخ ۵۹/۹/۲ در چهار راه سردار جنگل صومعه - سرا یکی از افراد بسیج، فردی سارژی را کداز قتل - شناسایی شده بود به پاسداران نشان داده. پاسداران مداخلتی در سرچهار راه مذکور این فرد را دستگیر کردند. مردم و هواداران نیروهای سیاسی متوجه موضوع شدند و بطرف پاسداران هجوم بردند آنها را به بیادکشتک گرفتند و شیشه های ماشین آنها را شکستند. پاسداران ۳ بدست که خود را در محاصره مردم دیدند -



● بوئین - فومن ●

۲ - پاسداران مداخلتی حاکمیت که هر چند وقت یکبار برای سرکشی و بقول خودشان پاکسازی به روستاها می روند و اویل آبان ماه سال وارد بوئین شدند و شروع به " پاکسازی " دیوارهای روستای بوئین از علامیه و پیوسته کردند. " پاکسازی " دیوارها از پاکسازی است موجب شد که روستائیان هر چه بیشتر مایهت واقعی حاکمین وقت را دریا بند. پاسداران مداخلتی در ادامه " پاکسازی " به صاحب مفازه ای که در مفازه اش پیوسته و علامیه چسبیده بود گفتند: " شما فردا جهت پاسخ به چند سوال به سپاه پاسداران فومن سیائید: یکی از جوانان روستا بدان عمل پاسداران اعتراض کرده و گفت: " شما از این پیرمردهم دست برنمی دارید؟ " پاسداران از این حرف جوان به خشم آمده و خواستند که او را بگیرند ولی روستائیان موفق می شوند که این جوان را فرار بدهند. پاسداران ناکام در عوض یکی از اهالی روستا را گرفته و با خود به پاسدارخانه بردند و از این شخص به سئوالاتی جهت شناسایی افراد مترقی روستا کردند و چون جوابی نشنیدند او را شکنجه کردند و چون شکنجه هم کار ساز نبود او را آزاد کردند.

روستای بوئین یکی از روستاهای حومه فومن است که در ۶ کیلومتری آن واقع شده. اهالی این روستا از سطح آگاهی نسبتاً بالایی برخوردارند که این خود حاصل گذران زندگی سخت، ارتباط با شهر، وجود جوانان آگاه در این روستا و می باشد. سردمداران حکومت جمهوری اسلامی که بقای خود را در جهل و نفاق آگاهی توده ها می بینند از رشد روز افزون آگاهی روستائیان بوئین وحشت زده شده سعی می کنند بطریق گوناگون آنها را فریب داده و از مبارزه روگردان سازند. اما روستائیان بوئین نشان دادند که دیگر عوام فریبی های سردمداران حکومتی کارساز نیست. نمونه هایی که در زیر می آوریم نشان میدهد که چگونه حکومت جمهوری اسلامی می کوشد تا با استفاده از شیوه های گوناگون از تهدید گرفته تا سرکوب، روستائیان بوئین را سربراه کند.

۳ - سردمداران حکومتی برای اشاعه تبلیغات جمهوری اسلامی یعنی واران نه جلوه دادن چهره واقعی نیروهای مترقی و مبارز و ایجاد فاصله بین آنها و روستائیان ستم دیده به بوئین سرک هم می کشند. از جمله جهت الاسلام حائری نماینده مجلس فرما پیشین حکومت جمهوری اسلامی یکشنبه ۵۹/۸/۲۴ به بوئین رسید و در آنجا در وقتیکه از آگاهی روستائیان بنا خبر گردید گفت: " من شنیده بودم که در بوئین داس و چکش بسالا برده اند و آنها را لنیننگرا در دست گرفته اند. "

۱ - در اوایل یا نیز سال روستائیان بوئین به فرمانداری فومن مزاجه کرده و از آنان خواستند که برای سهولت رفت و آمد روستائیان و دانش آموزان به شهر، پلی در روستا احداث شود. ولی مسئولان فرمانداری از جمله فرماندار فومن در جواب این خواسته برحق روستائیان گفت: " شما اول بروید آن روستا - استان را که لنیننگرا دشده است درست کنید تا بعداً برایتان پلی احداث کنیم. " ولی مقاومت روستائیان و فرزندان دانش آموزان کبایی در پی مقابله فرمانداری فومن بمنوان اعتراض تجمع میگردند با عنت شد که مسئولان حکومتی عقب نشینی کرده و روستائیان بخواست خود برساند.

● قائم شهر ●

خائنین خلق را به کمرش در مقابل حاکمیت و ایستادگی به امپریالیسم می خوانند و نقش " پلیس مخفی " را برای حاکمیت بازی می کنند. هما نگونه که قائم شهر در روز ۵۹/۹/۱۱ نظاره گری نمونه ای از پالیسیهای یک توده ای خائن بنام "انتظا می" بود. قائمشهریها دیدند که چگونه یکی از هواداران "حزب خائن توده" پاسداران را در تعقیب مبارزین و انقلابیون یساری نمود. این واقعه نشان میدهد که مبارزین و انقلابیون تا چه اندازه باید در مورد این خائنین به خلق هشیار باشند. انقلابیون باید بدانند که امروز نیز هما نند که دیروز "هر توده ای" یک ساواکی است مگر آنکه عکسش ثابت شود. اما قائمشهریها و خلق ایران یک چیز دیگر را نیز باید ببینند و آن تلاش و کوشش نیروی واقعا انقلابی است که سعی دارد این بدنامان تاریخ را از صحنه مبارزات خارج گردانیده و هما نند اسلافشان به زباله دان تاریخ پرتاب کند.

قائم شهر نیز مثل هر نقطه دیگر کشورمان همسه روزه شاهد دستگیریها و زدن و خوردنهای فراوانی است. روزی نیست که مدای "ژ - ۳" های پاسداران فضای شهر را پر نکنند. روزی نیست که پاسداران چند نفر را به خاک و خون بکشند و عده ای را با خود به زندان ببرند. بهر حال قائم شهر از الطاف! خونین حکومت جمهوری اسلامی بی نصیب نیست. اما این قربات تنها از وحشیگریهای حکومت جمهوری اسلامی برخلاف مسا وارد نمی آید، بلکه با ید آن را حاصل خیانت های "اکثریت" و "حزب توده خائن" و "حزب رنجبران" و..... نیز دانست. اینان با منحرف نمودن مبارز خلق در واقع به نجات ضد خلق برمی خیزند و بجای تقویت خلق، بدجان ضد خلق می دهند تا با قدرت بیشتری مبارزات توده ها را سرکوب کند. خلق ایران امروز این حقیقت را بخوبی لمس میکنند و می بینند که چگونه این

● قائم شهر ●

شهریها استفا ده از جوی که شهر بانی چی ها بوجود آورده... بودند، فردی را که مشغول خواندن اعلامیه های دیواری بود دستگیر کرد. پس از آن پاسداران نیز یکی از فروشندهگان نشریات را توقیف کردند. آنها برای جلوگیری از مقاومت مردم در قبال دستگیری مبارزین و انقلابیون، زمانی دست به دستگیری این افراد زدند که مردم سدرت در خیابانها حضور داشتند.

۵۹/۱۰/۲ - در حدود ساعت ۶ بعد از ظهر در چهار راه شهید حسن سرکاری چریک فدائی خلق (ترک محله سابق) هواداران سازمانها و نیروهای سیاسی که مشغول فروش نشریات سازمانها و پخش اعلامیه های آنها بودند، مورد حمله پاسداران و پلیس شهر بانی قرار گرفتند. قبل از ورود پاسداران به محل دادستان

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - اصفهان در اعلامیه شماره ۵ در تاریخ ۵۹/۹/۲۵ تحت عنوان: "مزدوران جمهوری اسلامی شکارچیان مبارزین خلقند." تروریستمانه یکی از معلمان انقلابی شهر کویچه اصفهان، غلامرضا رشیدی را اثناء و محکوم نمودند. در این اعلامیه میخوانیم:

"..... این معلم مبارز در زمان رژیم شاه خائن نیز همواره در جهت کسب حقوق از دست رفته مردم، دست بحركات اعتراضی میزد. و حمایتش از مردم رژیم کنونی را بوحشت انداخته بود تا جایی که دست به ترور وی زد. معلم شهید بسین مردم زحمتکش علو - یجه دارای محبوبیت زیادی بود. همین پایگاه مردمی وی باعث شد که پس از شهادتش سه روز عزای عمومی در علویجه اعلام گردد و تمامی علویجه بحال تعطیل عمومی در آید. مردم در مقابل شهرداری تجمع کرده و از شدت خشم شهردار روچندتن از کارکنان شهرداری را بگروگان میگیرند و خواستار دستگیری و محازات عاملین این جنایت میشوند. شهر - دار قول میدهد که از استاندار اصفهان بخواهد که برای رسیدگی به این مسئله خود بسینه علویجه سیاید. اما پس از اینکه با این نقشه از میلکه فرار میکند، بالفور خواستار دستگیری تعدادی از اهالی میشود و در پی آن عده ای از مردم دستگیر میگردند....."

"..... راننده ای میگفت: " دولت بما میگوید برای جبران کسری بودجه نرخ سزین را افزایش دادیم. نمیدانم تقصیر ما چیست؟ هرگاه خزانه دولت خالی میشود سرروی محرومین جامعه فشار میآوردند. چرا حکومت سراغ سرمایه داران، کسانی که ما نند زالونیره جان ما را میکنند، نمیروند....."

از اعلامیه تاکسیرانان "اخلاقگرت!" - هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - مشهد ۵۹/۸/۲۲

● تنکابین ●

۱ - در روز ۵۹/۹/۱۱ ساعت ۹ صبح تظاهراتی فرمایشی جهت حمایت از روحانیت مبارز (یعنی بهشتی مزدور و میربالیم و شرکاء) در این شهر برپا شد. با اینکه در روز قبل اعلام کرده بودند و از بازار بستان "عزیز" خواسته بودند مفازه‌ها را تعطیل کنند اما جز تعدادی معدود، اکثر مفازه‌ها باز بود. در این تظاهرات حدود ۵ نفر از بزاریان و افراد بسیج و تعداد اندکی زین و دختر شرکت داشتند. مرشدی (یکی از مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که سابقه شرکت در سرکوبی نیروهای انقلابی و مترقی و جماعتداری اش راهگان میدانند) در پیشاپیش شعار میداد، تعداد جمعیت اندک بود اما اینکه تعدادی از دانش آموزان را به همراه شخصی از معلمین محافظه کار به تظاهرات آوردند. تعداد در مجموع تقریباً به هزار نفر می رسید که اکثریت آنرا دانش آموزان تشکیل میدادند. مردمی که در پیاده رویها بودند به تظاهرات فرمایشی میخندیدند و آشکارا شنفرو خود را از حزب حاکم و رژیم نشان میدادند. جمعیت بعد از راهپیمایی در میدان خمینی جمع شد. یکی از کارکنان فرمانداری که قبلاً در کمیته کسار میگرد و آشکارا بخشدار تنکابین سخنرانی فریادی!! در حمایت از "روحانیت مبارز"!! ایراد کردند. این تظاهرات فرمایشی دروغهای بیشتر از رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه مخالفان نظام در مدهم نیستند را بر ملا کرد.

۲ - در تاریخ ۵۹/۹/۱۵ یک دختر هوادار یکی از نیروهای مترقی در ایستگاه گلجان مورداهانست

یک دختر فالانتر عضو بسیج ترا گرفت در این شهر برای بسا - ملاح با کساری درودبیار شهر از اعلامیه و تراکت های نیروهای انقلابی و مترقی از دختران عضو بسیج استفا - ده می کنند - این دو با هم درگیر شدند. مردم حاضر در محل دختر عضو بسیج را سرزنش کردند. در این وقت "مرشدی" چاقی بدست بر سا بچه! و فالانتر مشهور به همراه تعدادی از اذل و اوباش وارد میدان شد. آنها شعارهای بر علیه نیروهای انقلابی و مترقی میدادند. این مزدور دست به آن دختر مبارز فدایی نمود. به خاطر این مسئله بین آنها و هواداران نیروهای مترقی و انقلابی و مردم درگیری پیش آمد. "مرشدی" و اراذل - همراهش کتک سختی خوردند. بطوریکه خون از دهان "مرشدی" سرازیر شد. مردم از عمل هواداران نیروهای مترقی و انقلابی بهشتیانی سکرتند.

● گلوگاه ●

۵۹/۹/۲۳ - در ساعت ۲/۳۰ بعد از ظهر یکی از مبارزین گلوگاه با یکی از پاسداران مزدوران شهر که "بیرج عسگری" نام دارد، درگیر شده و موفق به فرار گشت. پاسدار بوسیله کلت کمری بطرف فرد مبارز دوتیر شلیک کرد اما خوشبختانه تیرها به هدف اصابت نکرد. مردمی که ناظر بر جریان بودند به شدت از این اعمال وحشانه پاسداران خشمگین شدند.

اگر داور و دهنده تینی صدر و حزب جمهوری اسلامی هم دیگر را

افتش، میکنند بخاطر اینست که قدرت سیاسی را فدایا قبضه کنند

و اگر برای رسیدن به ایند اف یلید خود نموده ما را و جالبصا

قرار میدهند بخاطر اینست که فریبگارتد، پس:

مگر فریبگاران و دخلکاران!

● تهران ●

۵۹/۹/۴ - در ساعت ۱۱ صبح، پاسداران در میدان امام حسین (نوریه سابق) به دخترسازی که مشغول فروختن روزنامه و بیخش کردن اعلامیه‌های یکسری از گروههای سیاسی بوده حمله ور شده و در صدد دستگیری او برآمده‌اند. دختر مبارز که به مقابله با پاسداران برآمده بود، اجازه نداشتند که پاسداران او را بیا خود ببرند. او در حالی که با پاسداران در کشاکش سخت بود، صدای بلند مردم را در جریان واقعه می‌گذاشت. او به مردم میگفت که برای دستگیری آید، اندو از مردم می‌خواست که در مقابل این یورشهای وحشیانه مقاومت بکنند. مردم نیز به حمایت از او برخاسته و از پاسداران خواستند که دختر مبارز را آزاد نمایند. اما پاسداران که وظیفه‌شان تنها جلوگیری از مخالفت‌های سیاسی بوده - ها و نیروهای مبارز و انقلابی است، برای پراکندن جمعیت خاصی دختر مبارز به تیراندازی هوایی پرداختند. اما مردم با شنیدن صدای رگبار "ژ-ت" به فشار خود بر پاسداران افزودند. پاسداران سعی می‌کردند هر چه زودتر منطقه را ترک کنند چرا که هر چه بیشتر می‌مانند، مردم خشمگین ترمی شدند. نتیجتاً پاسداران از یک راننده پیکان شخصی خواستند تا آنها و زندانیان را از منطقه دور سازد. راننده پیکان که

خود موافق این عمل نبود به توسط مردم فرار کرد و رفت. بالاخره پس از نیم ساعت کشاکش بین مردم و پاسداران، پاسداران توانستند آن دختر مبارز را به درون ماشین خود ببرند. اما مردم از حرکت ماشین جلوگیری کردند. پاسداران هم دوباره صدای "ژ-ت" های امریکائی را در آورده‌اند تا بلکه بدین ترتیب بتوانند جان خود را از مهلکه نجات دهند. اما مردم را صدای "ژ-ت" فراری نداد. پاسداران توسط مردم خشمگین محاصره شده بودند. آنها همه اعتراض می‌کردند و از پاسداران می‌خواستند که دختر مبارز را آزاد کنند. در این میان پاسداران چند نفری را که پیش از همه فریاد اعتراضشان مطلق بود، شناسایی کرده و خواستند که آنها را نیز دستگیر نمایند. بقیه جمعیت حاضر در میدان، آن چند نفر را در میان خود گرفته و از دست آنان ممانعت کردند. در این هنگام که مردم از دستگیری این عده جلوگیری میکردند، پاسدارانی که در ماشین بودند ماشین را حرکت داده و آن دختر مبارز را با خود بردند اما نتوانستند آن چند نفر را دستگیر کنند. پس از رفتن پاسداران، مردم در میدان باقی مانده و به بحث برآمور این واقعه و وقایعی نظیر آن پرداختند. آنها رگدگرمی سرسپند: "راستی این معنای آزادی است؟"

* * *

زحمتگشان ما خوب بخاطر دارند که چگونه هم جناح حزب
 جمهوری اسلامی و هم جناح بنی صدر بزرگشان
 و سرکوب خلق رزمنده کرده و... به توافق رسیدند.
 آنها هیچگاه در ماهیت سرکوب اختلاف نظر ندارند
 بلکه در شیوه سرکوب است که اختلافی سلیقه دارند.

هواداران چریکهای فدایی خلق ایران - مشهد

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

بازار جمعه - صومعه سرا
مدیرستان سید محمّی

در صومعه سرا کمتر کسی است که "وصالی" را نشناخته باشد. او از طرف آیت الله خمینی، مأمور به تاسیسات آموزشی و پرورش صومعه سرا شد و وظایف "انقلابی" خود را مطابق میل حکومت ضد خلقی، با اخراج معلمان انقلابی و مبارزه با انجام رساند. روز دوشنبه ۵۹/۹/۳ "وصالی" ضمن سخنرانی در یکی از کلاسهای دبیرستان محمّی گفت: "ما برای شکم انقلاب نکرده ایم. خنده دانش آموزان پس از این حرف، و مالی را خشمگین کرده و موجب شدا و مدیردبیرستان را برای تنبیه دانش آموزان "زبان نشنم"!! بسرکلاس بیاورد. مدیردبیرستان پس از حضور در کلاس علت خنده دانش آموزان را پرسید. یکی از دانش آموزان برخاست و گفت اگر شما برای شکم انقلاب نکردید پس چرا اینی صد رو حسرتب - جمهوری اسلامی بر سر کسب قدرت بیشتر، این همه با هم دعوات دارند؟ دیگر دانش آموزان نیز هریک با سئوالهای خود مالی و مدیردبیر را که برای کمک به او آمده بود کلافه کردند. با لایحه مدیر که از بن براسخگوشی به سئوالهای دانش آموزان برشیا مده بودا "قربانی"، رئیس آموزش و پرورش صومعه سرا کمک خواست. قربانی، که دیپلمه -

های بیکار و متلعان انقلابی، بارهای بارشا خدا عمل فدمردمی او بودند پس از یک سخنرانی و بازگوکردن فعالیتبتهای "انقلابی" خود، به دانش آموزان نسیز ده دقیقه فرصت داد تا پرسشهای خود را مطرح کنند. یکی از دانش آموزان علت کمبود معلم را پرسید. قربانی در جواب، کمبود معلم را هم مثل کمبود تاید، روشن - نیاتی، قند، شکر و... به جنگ نسبت داد. ولی دانش آموز گفت: "کمبود معلم ربطی به جنگ ندارد، چرا فلسفه باقی می کنید". قربانی که مشت خود را با زدهید، دستور اخراج دانش آموز پرستگر را داد. او در پاسخ به سئوال یکی دیگر از دانش آموزان که: "اگر شما میاوزه می کردید، چرا وقتی معلم ما بودید، به ما آگاهسی نمی دادید؟" گفت: "آن وقتها شما نمی فهمیدید." رئیس آموزش و پرورش که سئوالات دانش آموزان عرصه را بر او تنگ کرده بود، پس از آنکه دانش آموزان را تهدید کرد که اگر دیگر حرفی بزنند، دبیرستان را منحل خواهد کرد، فرار را برقرار ترجیح داد.

پس از رفتن قربانی، دانش آموزان از رفتن به کلاسها خودداری کردند و خواستار بازگرداندن دانش آموزان اخراجی شدند و با لایحه گرفتن قول مساعد از مدیر دبیرستان به کلاسها رفتند.



دانشجویان و دانش آموزان مبارزان؛
با پیوستن به جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن، مغفوف دانشجویان و دانش آموزان
زان مبارز میهنمان را مستحکم تر سازید.

اعمال شکنجه توسط یک حکومت، نشانه هده اوج انحطاط و رذالت و ماهیت ضد خلقی اوست.
حکومت وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با شکنجه فرزندان مبارز خلق تنها ماهیت خود را بنمایش میگذارد.

درنگ بر شکنجه گران

تراکت: ۵۷
چریکهای فدائیان خلق ایران ۵۹/۱۰/۲۲

(از صفحه ۵)

سیاسی ، تنها یک حرکت تاکتیکی است و بالنتیجه تمامی قانونمندیهای تاکتیک بر آن حاکم است . بر نسه تنها میبایست شرایط و اوضاع و احوال و نیروی خود و نیروی دشمن را ارزیابی کرد و منطبق بر آن دریا و اجرای عملی یک تاکتیک تصمیم گرفت بلکه همچنین میبایست رابطه این تاکتیک را با خط استراتژیک مشخص نمود . آنچه در بالا گفتیم قسمت اول مسئله یعنی ارزیابی نیروی خودی ، نیروی دشمن و شرایط حاکم بر محیط بود ، اما لازمست کسی درباره رابطه تاکتیک با آن خط استراتژی که هر سازمان سیاسی میباید داشته باشد سخن بگوید - نیم . این نکته روشنی نخواهد آورد ایجاد چنین ارتباطی ، بین حرکت تاکتیکی و حرکت استراتژیک ، آنچه که انجام بگیرد ، چیزی جز خرده کاری نخواهد بود و اگر امروز نتایج مثبت را نیز در برداشته باشد ، در دراز مدت نتایج مثبتی بسیار نخواهد آورد . ما با شناختی که از چهار سال زمان سیاسی مذکور داریم ، میتوانیم بگوئیم که حرکت آنان در روز ۲۳ دی ، دارای چنین خصوصیتی بوده است . آنان صرفاً " تحت فشار نیروی هوادار کسبه در شرایط بحرانی کنونی خواستار حرکتی عملی از سوی این سازمانها بوده اند ، دست چنین حرکتی زده اند . بگمان ما آنها نیا ندیشیده اند که چنین حرکتی در مجموعه حرکات استراتژیک یک سازمان انقلابی چه نقشی را میتواند ایفا نماید .

اگر در شرایط کنونی دست زدن به چنین اشکالی از مبارزه امکان پذیر است ، اما دوام و بقا و ورشستگی چنین اشکال فرعی تنها حول شکل اصلی مبارزه (مبارزه مسلحانه) امکان پذیر است . اگر چنین ارتباطی بین شکل اصلی مبارزه و اشکال فرعی آن منجر به مبارزات دانشجوئی در نظر گرفته شود ، مرگ و یافقت چنین اشکالی از مبارزه محض است و دیگر موه ترهم نخواهند بود . چنین اشکالی از مبارزه تنها آن زمان میتواند نتایج واقعا " مثبتی را ببار آورد که وحدت خود را با شکل اصلی مبارزه حفظ کرده و گرنه آن سازمانهای سیاسی ای که تنها با بسنشی تاکتیکی حرکت مینمایند در جنبه خرده کاری گرفتار خواهند شد و درجا خواهند زد .

دانشگاهها باید باز شوند!
دانشگاهها باید مستقل باشند!
دستگاههای سرکوب حکومت
نباید بحریم دانشگاهها تجاوز کنند!



رژیم و استه کنونی باید بدانند که با شکنجه انقلابیون و شوه ها ، نه تنها به اهداف بلند خویش دست نخواهد یافت ، بلکه چهره کزیه خویش را هر چه بیشتر بنمایش میگذارد . بگوئیم یا افشای چهره واقعی جلادان جمهوری اسلامی ، ماهیت آنان را هر چه بیشتر افشا سازیم .

هنگامی که شکنجه گران

تراکت : ۵۹

جریکهای فدائی خلق ایران ۵۹/۱۰/۲۲

رفقای هوادار:

با انتخاب مطالبی از اعلامیه ها ، خبرنامه ها ، جزوات و کتب جریکهای فدائی خلق ایران به بازتکثیر ، تهیه تراکت ، دیوارکوب (اوزالیدیا درشت نویسی) ، شعار نویسی (روی دیوار یا پارچه ای) و بپردازید .

رفقا : برای انجام این وظیفه ساززاتی موارد زیر را در نظر داشته باشید : شرایط خاص محلی ، وضعیت محیط فعلی ، روانشناسی توده ها ، مسائل مورد نظر و مسائل سیاسی مطروح شده در سطح جامعه .

(از صفحه ۹)

س - حالا که شما اسلحه گرفته اید و استفاده هم شده اید، چه کارهایی انجام می دهید؟
 ج - ما با این اسلحه شبها به پاسداری از خانواده‌ها، نگیرخان و عصمت خان و پسرانش می‌رویم و تعدادی هم به پاسداری از گروهان ژاندارمری و گمرک و خانه‌های ژاندارم‌ها مشغول هستیم و در ضمن هر وقت جهانگیر خان بخواند به خانه اربابان روستاهای دیگر برود، ما هم بعنوان اسکورت همراهیش می‌کنیم.
 س - آیا به شما حقوق هم می‌دهند؟

ج - بله، ما اوایل استخدام ماهی ۲۵۰۰ تومان پول می‌گرفتیم و آنوقت هم از شکر گرفته تا سبب زمین‌ی به مقدار زیادی به ما میدادند، ولی اکنون حدود ۳ ماه است که هر چه دولت جمهوری اسلامی به اینها می‌دهد خودشان زهر ما را می‌کنند و حتی یک ریال هم به ما نمی‌دهند.

س - آیا شما تا حال برای جنگ با برادران کرد خود رفته اید؟

ج - نه، قسم بخدا نرفته‌ام و حتی سرمان هم بریده‌شده نخواهیم رفت. ولی بعضی از جماعت بدستان جهانگیرخان و برادرش حاضرند به راجائی که دولت جمهوری اسلامی وجهانگیرخان بگویند بروند.

س - شما که به عنوان مزدور استخدام شده اید، آیا با مزدوران حاجی سامی و سایر جاسا ارتباط دارید یا نه؟
 ج - ما که نداریم. فقط سرپرستهایمان که همان جهانگیر و عصمت خان هستند با آنها ارتباط مستقیم دارند و عصمت خان هر روز بروستای "ایشکسو" روستای حاجی سامی می‌رود و هفته‌ای دوبار هم برای گرفتن اسلحه، مهمات، آذوقه و پول به شهر می‌رود.

س - آیا در بین شما حزبی یا هوادار سازمان و گروهی وجود دارد؟

ج - بله، هستند ولی از ترس این ظالمان کسی جرأت ندارد اسمی از حزب و سایر سازمانهای دیگر ببرد و اگر روزی ما برای انجام کاری به روستائی که حزب در آنجا باشد برویم، مورد تعقیب قرار می‌گیریم تا با حزب تماس نگیریم.

حال این گزارش مختصری که از سر و خواندید را با وضعیتی که رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی از مسافرت بنی صدر این مزدور امپریالیسم از آنجا نشان داد و آنهم درباره "رضایت و سعادت" کرده‌های آن منطقه تبلیغ و تدروغین کردند، مقایسه کنید تا گوشه‌ای از ماهیت رژیم ضد خلقی کنونی و فریبکاری آنان را دریابید.

هواداران جریکهای فدائی خلق ایران - خسرو شهر (خسرو شاه سابق) با امکانات محدود خود ما با کوشش انقلابی اعلامیه‌های شماره یک - دو - سه و چهار را انتشار داده‌اند. در چهارمین اعلامیه بتاريخ ۵۹/۹/۱ تحت عنوان: "دوره کردن مدارس گرفتن وقت دانش آموزان و دورنگه داشتن آنها از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی است." چنین آمده است:

..... " دانش آموزان مبارز خسرو شهر:
 شما دیدید که عوامل رژیم چگونه در برابر کوچکترین خواسته‌های برحق شما ایستادند و شما با چشم خود دیدید کسانی را (افراد بسیج) که در حرف در جهت خواهیهای شما بودند ولی در عمل مانع و سد این راه شدند. آنها چرا از یکسره بودن مدارس می‌ترسند؟ آیا جز این است که آنها می‌ترسند شما فرصت یافته به آگاهی خود بیفزائید و در مورد اوضاع مملکت خود فکر کنید و بفهمید چه کسانی بر شما حکومت می‌کنند؟"

..... " خون فرزندان دلیر خلق که در ۱۳ آبان سال ۵۷ با حمله مزدوران رژیم شاه به دانشگاه بر زمین ریخت، هنوز بر سنگفرش دانشگاه نخشیده بود که رژیم جمهوری اسلامی در او خرفورددین و اوایل اردیبهشت ۵۸ سال فطلسل چی‌ها و جماعت‌ها را نشانی را روانه دانشگاه نمود و آنرا به آتش و خون کشید. رژیم هر چند توانست درهای دانشگاه را به بهانه "انقلاب فرهنگی" ببندد و مانع تکل-های دانشجویی شود ولی بخاطر داشته باشیم که این "بیروزی" آسان به دست او نیامد.....
 از اعلامیه - " ۱۶ آذر تیلور میثاق خونین جنش دانشجویی با جنبش خلقی گرامی باد! - هواداران جریکهای فدائی خلق ایران - مشهد ۵۹/۹/۱۶

<p style="text-align: center;"><u>ساری</u></p> <p>ب : ۲۱۰۰ م : ۲۲۸۵ ن : ۲۰۵۵ ج : ۵۴۲۸ ط : ۱۰۵۰ - : ۱۴۱۶</p> <p>کد ۸۱۶ - ۶۰۰ ریال رسید</p> <hr/> <p style="text-align: center;"><u>لاهیجان</u> <u>بابل</u></p> <p>۲۰۰۱۵ م : ۲۲۰</p>	<p>ت : ۱۱۰۴ آ : ۱۰۰۰۹ و : ۱۰۸۷۳ ب : ۲۰۱۵۳</p> <hr/> <p>بهرنگ : ۱۰۰۱ (دو ساله)</p> <hr/> <p>الف : ۱۰۰۴</p>	<p>زاغی کوچولو ۱۰۰۰۰ ریال کمک شما رسید.</p> <hr/> <p>رفیق کارگر ع - م - ب - ب کمک شما رسید.</p> <hr/> <p style="text-align: center;"><u>تنکابن</u></p> <p>رفیق کوچولو (ع - ش) ورفقای دختر کمک مالی شما بدستان رسید.</p> <hr/> <p style="text-align: center;"><u>قائم شهر</u></p> <p>ف - ج : ۵۱۳ م : ۲۵۰۰ س : ۱۰۲۰</p>
--	---	---



هم میهمان عزیز
 جریکهای فدائی خلق ایران برای
 پیشرفت مبارزه شدیداً به کمک مالی شما
 نیازمندند. این کمکها را بوسیله
 واز طریق مطمئنی که خود می شناسید
 اختیار ما قرار دهید.

★

۹ بهمن ، سالروز شهادت جریک فدائی
 خلق ، رفیق کیومرث سنجری است که با عزمی
 پولادین ، حماسه های پرشکوهی از مقاومت
 در تاریخ مبارزات خلقهای ایران ثبت کرد
 و قطرات خون خویش را در راه آرمان والای
 طبقه کارگر و آزادی خلق از یوغ امپریا -
 لیسم و سگهای زنجیریش ، نثار نمود.
 بادش را گرامی و راهش را ادامه دهیم

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

پرهیزی طبقه کارگر

رفقتهای مسئول توزیع خبرنگار ما
 برای خبرنگار ما ۲۰ ریال است ، ولی برای توزیع آن در بین زحمتکشان پولی دریافت نکنید .